

## تضاد عقل و نقل در کتب عهدین

✽ سخنان توجیه ناپذیر

✽ خدا در کتب عهد قدیم

✽ افتراء به پیغمبران

در شماره گذشته گفته شد که : در مورد تضاد واقعی عقل و نقل ، حاکمیت بادلیل عقل است ، و در نتیجه هر دلیل نقلی، که با حکم عقل مخالفت صریح دارد، قابل اعتماد و استناد نمی باشد ، و بزرگترین دلیل بر نادرستی اینگونه نقلهای مشکوک ، تضاد واقعی آنها بادلیل عقل می باشد ، زیرا خدا و پیغمبر، سخن غیر معقول نمی گویند .

✽ سخنان توجیه ناپذیر

بنا بر این ، در مورد مطالب غیر معقول کتب عهدین (تورات و انجیل) باید بگوئیم : این سخنان از تورات و انجیل اصلی ، که بر حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) نازل گردیده نبوده ، و وحی آسمانی نمی باشد .

و علاوه بر اینکه ، از نظر تاریخ سند تورات و انجیل کنونی به موسی (ع) و عیسی (ع) نمی رسد (۱) و نمی توان اثبات نمود که در این کتب تحریف راه نیافته است ، و چون این گفتارهای ناسازگار با میزان حرد؛ نیز به تحریف آنها گواهی داده ، و به ثبوت می رساند ، که این کتب تألیف مؤلفین آنها بوده ؛ و از کلام الهی دور است .

(۱) در پاورقی مقاله گذشته باین موضوع اشاره نمودیم .

مادر اینجا در صد بررسی مسائل معقول و غیر معقول کتب عهدین نیستیم ،  
 و در این موضوع کتب مفیدی عبری و فارسی نوشته شده است ، ولی آنچه از بیان  
 آن ناگزیریم ، رفع شبهه ای است ، که ممکن است در اذهان پاره ای از خوانندگان  
 ارجمند باشد .

زیرا گاهی دیده میشود ؛ کسانیکه کتب عهدین را درست مطالعه نکرده اند ،  
 در مقام توجیه و تأویل مطالب غیر معقول آنها بر آمده ، و میگویند : این مطالبی  
 که در آیات عهدین غیر معقول بنظر میرسد قابل توجیه و تأویل است ، و بعبارت  
 دیگر مخالفت این آیات ، با حکم عقل تضاد واقعی نبوده ، بلکه تضاد صوری  
 می باشد ، که با تأمل و دقت ابهام آن بر طرف می گردد ؛ و همان طور که در  
 قرآن مجید آیه شریفه **دیدالله فوق ایدیهیم** ، فتح ۱۰ ، و مانند آنرا ، توجیه  
 و تأویل می نمائید (۱) و میگوئید : مراد از دست خدا ، قدرت بی پایان الهی است  
 این آیات را نیز توجیه و تأویل نمائید .

**در پاسخ آنان میگوئیم :** البته ما مدعی نیستیم که در کتب عهدین  
 هیچ گفتار صحیح و قابل توجیه وجود ندارد ، بلکه ما نیز تا آن اندازه که مطالب  
 آنها قابل تأویل باشد توجیه مینمائیم ، ولی متأسفانه پاره ای از مطالب آن بطوری  
 بلاوضحات عقول ناسازگار است که قابل تأویل نبوده و توجیه پذیر نمی باشد .  
 اینک قسمتی از اینگونه آیات کتب عهدین را نقل نموده و خوانندگان  
 محترم را بتدبر و تعقل آنها میخوانیم که منصفانه در آنها قضاوت نمایند :

### خدا در کتب عهد قدیم !

۱ - تورات ؛ در داستان آدم و حوا میگوید : و آواز خداوند را شنیدند  
 که در هنگام نسیم نهار در باغ میخرا میزد و آدم و زنش خویشتن را از حضور  
 خداوند خدا در میان درختان پنهان کردند . (سفر پیدایش ، باب ۳  
 آیه ۸) (۲) .

(۱) این بحث بطور تفصیل در شماره ۳ سال دوم بیان شد .

(۲) آیات منقوله در این مقاله ، از کتب عهدین فارسی (طبع جمعیت  
 «بریتیش و فورن بیبل سوسائیتی» لندن) نقل شده ، و چون غرض نقل عین عبارات  
 بوده ، در آن تغییری ندادیم باینکه بعضی از عبارات آن نامفهوم بنظر میرسد ،  
 فقط کلمات زنده را درشت نوشته ایم تا موارد اشکال مشخص باشد .

آیا معقول است که خدای متعال در باغ بهشت بخراشد و بانا زو غمزه راه برود ؟ ، آیا معقول است آدم و زنش خود را در بالای درختان ، از خدا پنهان سازند ؟ ، آیا بر خدا چیزی پوشیده میشود ؟!

۲ - پس از بیان میوه خوردن آدم (از درخت نهی شده) چنین میگوید :  
 و خداوند خدا گفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده اینک هبانا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد و تا باید زنده بماند\* ... پس آدم را بیرون کرد و بطرف شرقی باغ عدن گرو-  
 بیانرا مسکن داد و شمیر آتشباری را که به رسو گردش میکرد، تا طریق درخت حیات را محافظت کند (پیدایش : باب ۳ آیه ۲۲ و ۲۴).

آیا خداوند نمی ترسد که مبادا آدم از درخت زندگی بخورد. و مانند خدا همیشه زنده بماند ؟ و بر فرض اینکه زنده بماند چه نقصانی به دستگاه ربوبی دارد تا خدا دستور دهد با شمیرهای آتشبار کروبیان از آن درخت پاسداری نمایند ؟!

### کتابخانه معرجه بنیة نوری

۳ - و گفتند بیائید شهری برای خود بنا نهیم و برجی را که سرش با آسمان برسد... و خداوند نازل نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند ملاحظه نماید (پیدایش : باب ۱۱ - ۴ - ۵)

آیا خدای تعالی برای دیدن شهر و برج بنی آدم باید از آسمان پائین بیاید ؟!

مگر خدا در هر جا نیست مگر در هر جا حال و هر آنی ناظر بتمام اشیاء نیست ، اگر در هر مکان حاضر و ناظر نباشد چگونه امور آنجا را تدبیر می نماید ؟!

۴ - و خداوند در ستون ابر نازل شده بدرخیمه ایستاد (اعداد باب ۱۲ - ۵).

۵ - و خداوند پیش روی وی عبور کرده .. (خروج : باب ۳۴ - ۶).

آیا خدا نازل می شود ؟ آیا خدا می ایستد ؟ آیا خدا عبور می کند ؟!

۶ - و یعقوب تنها ماند و مردی باوی تا طلوع فجر کشتی میگرفت

\* و چون او دید که بروی غلبه نمیاید کف ران یعقوب را لمس کرد و کف ران

یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد \* پس گفت مرا رها کن زیرا که فجر  
میشکافد گفت تا مرا برکت ندهی ترا رها نکنم \* بوی گفت نام تو چیست  
گفت یعقوب \* گفت از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل زیرا  
که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی (پیدایش باب ۳۲  
- ۲۴ - ۲۸) .

آیا ممکن است یعقوب با خدا کشتی بگیرد و بر او غلبه کند ۱۴ آیا آن مرد  
خدا بوده یا انسانی بوده است که خدادار او حلول نموده ۱۴ در حال یعقوب از او  
برکت میخواهد و چگونه خدامغلوب میشود با اینکه در سفر خروج میگوید :  
خدا مرد جنگی است ( باب ۱۵ - ۳ ) ؛ این عبارات را چگونه توجیه  
میکنید ۱۴

### کتابخانه مدرسه هیتیه قم

۷- و موسی با هرون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت  
و خدای اسرائیل را دیدند و زیر پایهای مثل صنعتی از یاقوت کبود  
و شفاف و مانند ذات آسمان در صفا و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را  
نگذارند پس خدایان خوردند و آشامیدند (خروج باب ۲۴ - ۹ - ۱۱) .  
آیا خدایان می خورد ۱۴ آیا خدا پای شفاف مانند یاقوت دارد؟ و آیا  
خدایان خورد و میآشامد؟ مادر اینجامیخوانیم : خدایان خوردند و آشامیدند  
و در عهد جدید میخوانیم : خدایان هرگز کسی ندیده است (انجیل یوحنا  
باب ۱ - ۱۹) آیا این ناسازگاری میان این دو آیه قابل توجیه و تأویل است ؟ .  
پیران عهدین چه میگویند ۱۴ باید بگویند سخن درست این است که خدا دیده  
نمی شود ، نمی خورد و نمی آشامد ، امکان ندارد و از او چیزی پنهان نیست  
زیرا این چیزها خدا را محتاج و محدود می سازد و خدای جهان از  
هر چیزی بی نیاز و از هر جهت نامحدود است (۱) و قرآن مجید چنین خدائی  
را معرفی می نماید .

(۱) در کتب فلسفه و کلام در این زمینه دلائل علمی دیگری (از نظر تمایز  
ممکن الوجود و واجب الوجود) بیان شده؛ که نقل آنها از حدود این مقاله خارج  
است .

- ۱ - مانند خدا چیزی نیست (شوری - ۱۰) .
- ۲ - چشمها اورانمی بیند و او چشمها رامی بیند (انعام - ۱۰۳) .
- ۳ - و میداند آنچه را پنهان میسازید و آنچه را آشکار میکنید (نمل - ۲۵) .
- ۴ - پنهان نیست بر خدای چیزی در زمین و نه در آسمان (آل عمران - ۴) .
- ۵ - ای مردم شما همه فقیر و بختا محتاجید و تنها خدای بی نیاز پسندیده است (فاطر - ۱۶) .

۶ - بهر طرف رو کنید بخدا روی آورده اید (بقره - ۱۰۹) .

۷ - و خدا بر هر چیزی قادر و توانا است (آل عمران ۱۸۷) .

در قرآن مجید آیات بسیاری در این موضوع موجود است ، ولی برای مقایسه منطق قرآن با منطق تورات و عضاوت خردمندان ، نقل همین اندازه از آیات کافی است .

### افتراء به پیغمبران

در کتب عهدین نسبتهای ناروایی به پیغمبران الهی داده شده ، که قلم از نوشتن آن شرم دارد ، ولی برای اینکه طرفداران توجیه و تاویل ، بدانند این سخنان غیر معقول قابل توجیه نیست ، از نقل پاره ای از آنها ناگزیریم :

۱- ولوط از صاعر بر آمد و باد و دختر خود در کوه ساکن شد . . . \* و دختر بزرگ بکوچک گفت : پدر ما پیر شده و مردی بر روی زمین نیست که بر حسب عادت کل جهان ب مادر آید \* بیایا پدر خود را شراب بنوشانیم و با او هم- بستر شویم تا نسلی از پدر خود نگاهداریم ، پس در همان شب پدر خود را شراب نوشانیدند و دختر بزرگ آمده با پدر خویش هم خواب شد و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد ، و واقع شد که روز دیگر بزرگ بکوچک گفت : اینک دوش با پدر هم خواب شدم امشب نیز او را شراب بنوشانیم و تو بیای و باوی هم خواب شو تا نسلی از پدر خود نگاهداریم ، آنشب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند و دختر کوچک هم خواب وی شد و او از خوابیدن و از برخاستن وی آگاه نشد پس هر دو دختر لوط از پدر خود حامله شدند \* و آن بزرگ پسری زائید او را موباب نام نهاد و او تا امروز پدر موآ بیان است ، و کوچک نیز پسری بزاد و

